Journal of Fiqh and Usul
Vol. 52, No. 1, Issue 120
Spring 2020
DOI: https://doi.org/10.22067/jfu.v52i1.75079

سال پنجاه و دوم، شماره ۱، شمارهٔ پیاپی ۱۲۰
بهار ۱۳۹۹، ص ۵۶-۳۵

دفاع مشروع بازدارنده
از منظر حقوق بین‌الملل اسلامی*

دکتر حسین حقیقت پور
استادیار دانشگاه یزد
Email: haghighatpoor@yazd.ac.ir

چکیده

در حقوق معاهدات بین‌المللی ، بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، اقدام مسلحانه فردی علیه کشورها تنها در قالب «دفاع مشروع» جایز شمرده می‌شود. یکی از مهم‌ترین بسترهای اختلاف نظر درباره دفاع مشروع، شمول آن نسبت به دفاع بازدارنده در حملات قریب‌الوقوع است که با عنوان «دفاع پیش‌دستانه» یاد می‌شود. بسیاری از حقوقدانان به استناد ضرورت آن را می‌پذیرند، اما اغلب آنان با تفسیر واقع‌نگرانه تلاش می کنند این شمول را انکار کنند تا از پیامدهای خطرناک سوء استفاده از آن بکاهند. نوشتار حاضر بر آن است تا با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی از طریق منابع کتابخانه‌ای، استراتژی اسلام را در این مسئله به دست دهد. یافته‌ها حاکی است منابع معتبر اسلامی پیش‌دستی در دفاع در برابر حملات فوری را تأیید می‌کند، اما از آنجا که روش‌های جنگی در حوزه منطقه الفراغ قرار می‌گیرد، این امکان وجود دارد که حاکم اسلامی بر اساس مصالح مقتضی درباره آن تصمیم اخذ کند. رهبری حکومت اسلامی این اختیار را دارد که در صورت اجماع جهانی در تفسیر مضیق دفاع، و یا شکل‌گیری عرف بین‌المللی در این باره، از دفاع پیش‌دستانه صرف نظر کند. این تاکتیک مانعی در برابر حامیان تجاوز است و در سنت معصومان نیز تأیید شده است.

کلیدواژه‌ها: دفاع مشروع بازدارنده، دفاع پیش‌دستانه، دفاع پیشگیرانه، جهاد، حقوق بین‌الملل، حقوق جنگ.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۶/۱۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷.

Preventive Self-defense from the Perspective of Islamic International Law

Hossein Haghighat Pour, Ph.D. Assistant Professor, Yazd University

Abstract

In the law of international conventions, under article 51 of the Charter of the United Nations, individual armed attack against countries is permitted only in the form of self-defense. One of the most important grounds for disagreement over self-defense is whether it includes preventive defense in imminent attacks referred to as "anticipatory defense". Many jurists accept it on the basis of necessity; however, most of them, attempt to deny this inclusion, through realistic interpretation, in order to reduce the dangerous consequences of its abuse. The present paper, through descriptive-analytical method using library sources, seeks to introduce the Islamic strategy with regard to this issue. The findings suggest that authoritative Islamic sources confirm anticipatory defense against imminent attacks; nevertheless, since war methods are included in the Mentaqa Al-Feraq, the Islamic ruler may decide about it on the basis of appropriate interests. The Islamic state ruler has the authority to withdraw from anticipatory defense in case of global consensus on restrict interpretation of defense or formation of international custom in this regard. Such tactic is an obstacle against the supporters of the invasion and also has been approved in the Infallibles' Sunna.

Keywords: preventive self-defense, anticipatory defense, preventive defense, jihad, international law, war law.

مقدمه

مقابله با تهدیدهای نظامی در قالب پیشگیری، از سابقه‌ای دیرینه در روابط بین‌الملل برخوردار است. از دیرباز حکومت‌ها تلاش می‌کردند برای سلب فرصت تهاجم، بیرون از مرزهای خود و در صورت امکان در سرزمین دشمن به استقبال جنگ بشتابند. گزارش‌های تاریخی حاکی است گذشته از اقدامات توسعه‌طلبانه پادشاهان، حمله در جهت مقابله با تهدیدهای بالقوه نیز یکی از اسباب توسل به جنگ به شمار می‌رفته است. در قرن ۱۹ و ۲۰ هم عقیده عمومی بر آن است که حقوق بین‌الملل عرفی دفاع مشروع سبقت‌گیرنده بر تجاوز را در مواقع خطر قریب‌الوقوع اجازه می‌داده است. از آنجا که قبل از تصویب منشور، حق دفاع مشروع حوزه عملی مشابه حق حفظ موجودیت داشته، چنین تجویزی کاملاً منطقی بوده است (نادری، ۳۳). بنابراین در عرف بین‌المللی کلاسیک و تا قبل از سال ۱۹٤٥ تصور عمومی این بود که حق دفاع مشروع متضمّن دفاع مشروع پیشگیرانه نیز هست، مشروط به اینکه حمله مسلحانه قریب‌الوقوع باشد (فلك، ۲۱)؛ اما این مفهوم نیز همچون بسیاری از مفاهیم سیاسی و حقوقی دیگر، از تفسیر به رأی مصون نمانده و در عمل گاه دستاویزی برای توجیه اهداف نامشروع بوده است.

در دو جنگ جهانی این استراتژی از سوی قدرت‌های جهانی دنبال می‌شد. بطور مثال سیاستمداران آمریکایی اعلام داشتند «اگر در پرل هاربر[۱] به جنگ با ژاپنی‌ها نشتابیم،[۲] ناچار باید در سانفرانسیسکو میزبان آنان برای جنگ باشیم».[۳] پس از تدوین منشور سازمان ملل، اسباب مشروعیت مبادرت به جنگ محدود شد و در قالب «دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه» منحصر گردید. بنابراین اقدامات نظامی علیه کشورها در صورتی که مسبوق به تجاوز، آن هم در شدیدترین سطح خود، نباشد نامشروع و مستلزم ضمانت اجرای بین‌المللی کیفری و حقوقی خواهد بود (ضیایی بیگدلی، حقوق جنگ، ۳۲). یک سال پس از حادثه یازدهم سپتامبر در سال ۲۰۰۱ میلادی، رئیس جمهور وقت ایالات متحده خود را تابع دکترین جدیدی در استراتژی امنیت ملی خود و به تبع در صحنه حقوق بین‌الملل توسل به زور معرفی کرد. در این دکترین توسل به زور حتی فراتر از دفاع مشروع بازدارنده مجاز شناخته شد (شریفی طرازکوهی، ۲۹). امریکا تلاش کرد این مفهوم را احیا کند و بر همین اساس، حمله به کشور افغانستان و عراق را توجیه کرد.[٤]

۱. Pearl Harbor

۲. «پرل هاربر» نام بندری در جزایر هاوایی است. در هفتم دسامبر سال ۱۹٤۱ ارتش ژاپن بطور ناگهانی به پایگاه نیروی دریایی امریکا واقع در این بندر حمله کرد که منجر به ورود این کشور در جنگ جهانی شد.

۳. https://www.britannica.com/event/Pearl-Harbor-attack

٤. فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی ایالات متحده در نیکاراگوئه و نیز حمله به سکوهای نفتی ایران از موارد دیگری است که این کشور با استناد به حق دفاع مشروع جمعی و فردی مرتکب شده است. نک: موسوی و حاتمی، ۳۱۳ و ۳۱۷.

از آنجا که در حقوق بین‌الملل معاصر بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد،[۱] و انضمام مـاده یکـم قطعنامـه ۳۳۱٤ شورای امنیت به آن، توسل به اقدام مسلحانه تنها در قالب دفاع مشروع و پس از شروع حمله توسـط طرف مقابل و نیز در قالب اقدامات قهری شورای امنیت طبق فصل هفـتم منشـور ملـل متحـد توجیه‌پـذیر است، کشورها ملزم هستند اقدام نظامی خود را به همین قالب محدود کننـد. از همـین رو دکتـرین مزبـور مدعی است حمله پیش‌دستانه نوعی دفاع مشروع است و در تبیین مبانی نظری آن به تفسیر موسع مـاده ۵۱ متوسل می‌شود. پرسشی که باید بدان پاسخ داده می‌شد این بود که آیا اساساً دفاع بازدارنده مشروع اسـت؟ و در پی آن از چه ضوابطی تبعیت می‌کند؟

برخی از حقوقدانان بزرگ در پاسخ به پرسش نخست، از دفاع بازدارنده حمایت کردند و در پاسـخ بـه پرسش دوم، قید «حملات قریب‌الوقوع»[۲] را شرط مشروعیت قرار دادند. اما بیشتر حقوقدانان، تحـت تـأثیر بازتاب‌های عملی مشروعیت دفاع بازدارنده که در حمله اسرائیل به عراق و نیز حمله امریکا بـه عـراق و ... پدیدار می‌شد، آن را مردود دانسته و به تبع، جایی برای طرح پرسش دوم باقی نگذاشتند. فارغ از ادله این دو دیدگاه، همه می‌پذیرنـد کـه بـر فـرض پـذیرش، تفسـیر موسّـع از مفهـوم دفـاع مشـروع بازدارنـده تبعـات جبران‌ناپذیری در صحنه بین‌المللی خواهد داشت که جنایات ایالات متحده در افغانستان و عراق از جملـه آنهاست.

ما در این نوشتار به دنبال استحصال استراتژی حقوق اسلامی درباره دو پرسش فوق هسـتیم. از سـویی باید به این پرسش پاسخ گوییم که آیا از منظر حقوق اسلامی، دفاع پیش‌نگرانه جایز است یا خیر؟ سپس در صورتی که پاسخ مثبت باشد، باید به این پرسش پاسخ گوییم که مبـانی نظـری بـرای کنتـرل ایـن مفهـوم و کیفیت تفسیر آن کدام است؟ این پرسش از آن رو پیش روی ما قرار گرفته که مبنای نظری برای پیشگیری از سوء استفاده از این مفهوم را به دست می‌دهد. بنابراین تحقیق پیش رو برای پاسخ به ایـن دو پرسـش تنظـیم شده است، گرچه ممکن است با مطالعه ادله، پاسخ به هر دو بدون تفکیک صورت پذیرد.

---

۱. «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانیکه شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بـه عمل آورد، هیچیک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی، لطمـه‌ای وارد نخواهـد کـرد. اعضـاء بایـد اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هـیچ وجـه در اختیـار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقـع کـه ضـروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد تاثیری نخواهد داشت».

۲. Imminent attacks

مفهوم دفاع مشروع بازدارنده[۱]

دفاع بازدارنده یا پیش‌نگرانه عبارتست از شروع به جنگ به قصد دفع حمله محتمل الوقوع طرف مقابل. دفاع بازدارنده دو مفهوم را در برمی‌گیرد: دفاع پیشگیرانه[۲] و دفاع پیش‌دستانه.[۳] در تعریف علوم سیاسی فرق جنگ پیش‌دستانه با جنگ پیش‌گیرانه این است که در نوع اول حمله‌کننده، تهاجم حریف را قریب‌الوقوع و فوری می‌داند و بر پایه آن عمل می‌کند ولی نوع دوم در پاسخ به تهدیدات کمتر فوری صورت می‌گیرد. در حمله پیش‌دستانه، فوری و قطعی‌بودن اصل تهدید، نکته محوری است. طبق دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه پاسخ مسلحانه به حملات قریب‌الوقوع یا آنجا که حمله‌ای وقوع یافته و دولت قربانی دریافته است که حملات بیشتری در حال طراحی است، مجاز می‌باشد (موسوی و حاتمی، ٣٠٤). حالت اول این است که شواهد متقاعد کننده‌ای نه صرفاً مبتنی بر خطر یا تهدید بالقوه بلکه مبنی بر حمله‌ای قریب‌الوقوع وجود دارد و بنابراین احتمالاً حمله‌ای صورت می‌گیرد (موسوی و حاتمی، ٣٠٥). حالت دوم این است که دولتی یک بار مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و در حال حاضر شواهد آشکار و دلایل متقاعدکننده‌ای مبنی بر آمادگی دشمن برای حمله مجدد وجود دارد (موسوی و حاتمی، ۳۱۰؛ افتخاریان، ٦١٦). ورای این تفاوت، آنچه در واقع باعث می‌شود این دو را از یکدیگر تفکیک کنند، آن است که کشور مورد تجاوز قریب‌الوقوع امکان بهره‌گیری از شرایط فصل هفتم منشور سازمان ملل[٤] را ندارد؛ چرا که با احتمال قریب‌الوقوع حمله، طیّ مقدمات لازم به این منظور فرصت دفاع را از کشور مورد تهاجم سلب خواهد کرد. همین، سبب صحت تقسیم مزبور را فراهم کرده است.

پیش‌فرض پژوهش

پیش‌فرض پژوهش آن است که استراتژی اسلام در مسئله جنگ و صلح، بر اساس فضای کنونی حاکم بر نظام بین‌الملل اصالت صلح است. این از آن روست که اولاً اعتقاد داریم آیات مربوط به صلح همچون «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها» (انفال: ٦١) نسخ نشده است (ر.ک: ابن‌عربی، ۲/ ٨٧٦؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ٥/ ١٥٠). ثانیاً در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، تمامی ملت‌ها معاهدات صلح جهانی را پذیرفته‌اند و با عضویت در نهادهایی چون سازمان ملل متحد، آیه فوق بر نظام کنونی قابل تطبیق است.

---

۱. Anticipatory self-defense

۲. Preventiv self-defense

۳. Preemptive self-defense

٤. ماده ۳۹ منشور سازمان ملل متحد: «شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح - نقض صلح - یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی برطبق مواد ٤١ و ٤٢ باید مبادرت شود».

ضربه نخست؛ جنگ پیش‌دستانه به مثابه فنّ نظامی

۱. از علی بن ابیطالب (ع) نقل شده که فرمود: «ما غُزِیَ قومٌ قطّ فی عُقر دارهم الّا ذلّوا» (کلینی، ۹/ ۳۶۲؛ سرخسی، ۱/ ۸۹٤)؛ یعنی هر قومی که در آستانه خانه خود به مصاف دشمن برود، قطعاً ذلیل خواهد شد و از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده که فرمود: «عقر دار الاسلام بالشام» (طبرانی، ۷/ ۵۳) یعنی آستانه خانه اسلام در شام است.

۲. نقل است که وقتی اُسَیر بن زارم پیشوای یهود شد به سوی قبیله غطفان رفت و آنان را جمع کرده در میان ایشان چنین گفت: «ای گروه یهود! ما به سوی محمد (ص) در خانه خودش (عقر داره) می‌رویم؛ زیرا هر کس در خانه خودش جنگید، دشمن حداقل بخشی از هدف خویش را درباره او محقق خواهد کرد». آنان نیز در پاسخ گفتند: این دیدگاه خوبی است (واقدی، ۲/ ۵٦٦).

۳. در جریان غزوه حنین از سران قبیله هوازن چنین گزارش شده است: «... صفوف منظم خود را تشکیل دهید. حمله باید از سوی شما باشد. غلاف شمشیر بشکنید و با بیست هزار شمشیر آخته به ملاقات محمد (ص) بروید. حمله شما به او همچون حمله یک مرد (یکپارچه و هماهنگ) باشد و بدانید کسی غلبه خواهد کرد که ابتدا حمله کند ...» (واقدی، ۳/ ۸۹۳).

بنابراین شتافتن به سوی دشمن برای به دست گرفتن ابتکار عمل، به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های پیروزی در جنگ شناخته می‌شد.

ادله مشروعیت دفاع بازدارنده

دلیل اول: قرآن

«وَ قاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یقاتِلُونَکمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا یحِبُّ الْمُعْتَدِینَ». (بقره: ۱۹۰)

یعنی «در راه خدا با کسانی که با شما در حال جنگ هستند بجنگید و تجاوز نکنید؛ به درستی که خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد». علامه طباطبایی معتقد است عبارت «یقاتلونکم» شرط نیست؛ بلکه برای بیان حال بوده نوعی وصف مشیر است. مقصود آیه این نیست که اگر آنان جنگ کردند شما نیز بجنگید، بلکه مقصود آن است که با کسانی که حال آنان درباره شما حالت جنگ است، بجنگید (طباطبایی، ۲/ ٦۰). این عنوان هشدار به جامعه اسلامی است تا از نیرنگ توطئه، غافلگیری و مانند آن آگاه باشند؛ نه آنکه بی‌اطلاع به سر برده، هر وقت دشمنان هجوم آوردند امت اسلامی به دفاع برخیزد، بلکه اصلاً اجازه تهاجم به آنها ندهند (جوادی آملی، ۹/ ۵۷٦).

بر این اساس آیه شامل مواردی که دشمن در شرف حمله است، می‌شود و حکومت اسلامی نباید

منتظر باشد تا پس از دریافت ضربه نخست توسط دشمن، اقدام به دفاع کند. اساساً تبادر مقتضی آن است که حمله قریب‌الوقوع را نیز قتال محسوب کنیم.

دلیل دوم: حدیث

امیر مؤمنان (ع) درباره جنگ با معاویه به اصحاب خود چنین فرمود: «شب و روز، آشکار و نهان، شما را به جنگ با این قوم فراخواندم و به شما گفتم: با ایشان بجنگید قبل از آنکه به جنگ شما بیایند؛ سوگند به خدا هیچ قومی در خانه خود مورد جنگ واقع نشد مگر اینکه ذلیل گشت» (نهج‌البلاغه، ۳۵).

درباره سریه ابی‌سلمه به طرفیت بنی‌اسد نیز نوشته‌اند: «پیامبر (ص) به ابو سلمه فرمود: با این سریه برو که من تو را امیر سریه قرار دادم ... برو تا به محل سکونت بنی‌اسد برسی، پس قبل از آن که جمعیت ایشان به مصاف تو آیند، با حمله خود آنان را غافلگیر کن» (واقدی، ۱/ ۳٤٠).

دلیل سوم: سیره

ما در اینجا بطور خلاصه به حملات پیش‌دستانه سپاه اسلام اشاره و تلاش می‌کنیم این موارد را احصاء نماییم. در این جهت به اعتقاد ما بهترین و در عین حال موجزترین منبع، کتاب «المغازی» واقدی است که در اکثر موارد به علل وقوع جنگ‌ها نیز اشاره کرده است.

– غزوه قراره الکدر: به پیامبر (ص) خبر رسید که در منطقه «قراره الکدر» افرادی از قبیله بنی‌سُلَیم و غَطَفان تجمع کرده و در حال توطئه هستند. پس به سوی ایشان شتافت و پس از رسیدن به آن منطقه معلوم شد آنان منطقه را ترک کرده‌اند. مسلمانان پس از پیگیری توانستند اسب و استرهای ایشان را مصادره کنند درحالیکه آنان فرار کرده بودند (واقدی، ۱/ ۱۸۲).

– غزوه غَطَفان: افرادی به سرکردگی «دعثور بن حارث بن محارب» در نزدیکی مدینه تجمع کرده و قصد حمله نظامی به آنجا داشتند. پیامبر (ص) به سوی ایشان رفت. در نهایت بدون خونریزی، دعثور ایمان آورد و یاران خود را نیز مسلمان کرد (واقدی، ۱/ ۱۹۳).

– غزوه بنی‌سُلَیم: با تجمع و توطئه‌چینی افرادی از قبیله بنی‌سلیم، پیامبر (ص) به سوی آنان شتافت. پس از رسیدن به منطقه تجمع ایشان، معلوم شد آنان متفرق شده‌اند (واقدی، ۱/ ۱۹٦).

– سریه ابی‌سلمه: پیامبر (ص) به گونه غیرمنتظره‌ای باخبر شد که بنی‌اسد قصد حمله به مدینه را دارند و در منطقه‌ای به نام «قطن» جمع شده‌اند. پیامبر (ص) یکی از اصحاب خویش را به سوی ایشان فرستاد. در نهایت بنی اسد متفرق شدند و اموال ایشان به غنیمت گرفته شد (واقدی، ۱/ ۳٤٠).

– غزوه ذات‌الرقاع: به پیامبر (ص) خبر رسید که اهل نجد علیه مدینه سپاه تجهیز کرده‌اند. ایشان با چهارصد نفر از اصحاب خود به سوی آنان رفت، اما پس از رسیدن به منطقه مورد نظر، کافران از معرکه

فرار کرده بودند ... (واقدی، ۱/ ۳۹۵)

– غزوه مریسیع: گروهی از اعراب به سرکردگی شخصی به نام «حارث بن ابی ضرار» لشکر تجهیز کرده و آماده حمله به مدینه شدند. پیامبر (ص) نیز به سوی آنان رفت و در نهایت با شکست لشکر کفار، جنگ پایان یافت (واقدی، ۱/ ٤٠٤).

– سریه ذی القصه به قصد پیشگیری از غارتگری بنومحارب و ثعلبه (واقدی، ۱/ ٤١٥)

– سریه عبدالله بن رواحه به سوی خیبر به قصد پیشگیری از حمله یهودیان (واقدی، ۳/ ٥٦٦).

– غزوه ذات السلاسل: به پیامبر (ص) خبر رسید افرادی از قبیله بلیّ و قضاعه متحد شده و قصد نزدیک شدن به مدینه را دارند. وی گروهی را به فرماندهی عمرو بن عاص به سوی ایشان فرستاد که در نهایت آنان را متفرق ساخته و به مدینه بازگشتند (واقدی، ۳/ ۷۷۰).

– غزوه حنین: پس از فتح مکه توسط پیامبر (ص)، قبیله هوازن و ثقیف آماده جنگ با رسول خدا (ص) شده و سپاه آراستند. پیامبر (ص) همراه با سپاه مسلمانان به سوی آنان رفت و بر آنان پیروز شد (واقدی، ۳/ ۸۸۵).

– غزوه طائف: پیامبر (ص) پس از بازگشت از غزوه حنین، به همراه برخی از اصحاب خود سری به طائف زد. در آنجا مشاهده کرد که قبیله ثقیف به قلعه خود رفته آن را مسدود کرده‌اند و به اندازه یک سال آذوقه اندوخته‌اند. همچنین معلوم شد مشغول آماده کردن سلاح و تجهیز سپاه هستند. دو نفر از آنها نیز مشغول یادگیری ساخت منجنیق بودند تا در پناهگاه خود نصب کنند (واقدی، ۳/ ۹۲۲).

– غزوه تبوک: یکی از کاروان‌های تجاری خبر آوردند که رومیان افراد زیادی را در شام جمع کرده و هراکلیتوس به اندازه یک سال به آنها آذوقه و امکانات داده است. قبیله لخم، جذام، غسان و عامله نیز به این جمع پیوسته‌اند ... برای مسلمانان هیچ دشمنی به اندازه رومیان نگران‌کننده نبود؛ زیرا از نیروی نظامی آنان و امکانات ایشان، از طریق تجار باخبر بودند. پیامبر (ص) در هیچ جنگی مقصد خویش را از ابتدا مشخص نمی‌کرد تا خبر آن منتشر نشود تا اینکه زمان رویارویی با رومیان فرا رسید ... در این لشکرکشی پس از آنکه سپاه اسلام به منطقه تبوک رسید، سپاه روم در آنجا نبود و مسلمانان به مدینه بازگشتند (واقدی، ۳/ ۹۹۰؛ ابن‌سعد، ۲/ ١٦٥).

مفاد سیره: دلالت بر جنگ پیش‌دستانه و عدم دلالت بر جنگ پیشگیرانه

به اعتقاد نگارنده مفاد سیره بیش از جواز اقدام به حملات پیش‌دستانه را اثبات نمی‌کند. از این رو

استنباط خود از سیره را با دو نکته تکمیل می‌کنیم تا در این جهت جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نماند.

نکته اول: در مقابل نمونه‌هایی که نقل کردیم، برخی جنگ‌های پیامبر (ص) واکنش به تجاوز بالفعل دشمنان بوده است. بطور مثال غزوه بدر اولی برای سرکوب غارت کُرز بن جابر فهری (واقدی، ۱/ ۱۲)، غزوه سویق به قصد قصاص قتل غافلگیرانه یکی از انصار (واقدی، ۱/ ۱۸۱)، غزوه احد برای دفاع در برابر لشکرکشی مشرکان مکه (واقدی، ۱/ ۱۹۹)، غزوه بئر معونه در واکنش به خیانت عامر بن مالک در کشتن فرستادگان صلح پیامبر (ص) (ابن‌هشام، ۲/ ۱۸۵)، غزوه خندق یا احزاب در دفاع برابر حمله مشرکان و یهودیان (واقدی، ۱/ ٤٤٠) و سریه مؤته در واکنش به قتل فرستاده صلح پیامبر (ص) توسط یکی از هم‌پیمانان رومیان (واقدی، ۲/ ۷۵۵) از نمونه‌هایی هستند که در آنها تجاوز بالفعل توسط دشمن صورت گرفته است. البته در مواردی عکس العمل حکومت اسلامی در برابر تجاوز گذشته بوده که امروزه تحت عنوان «عملیات تلافی‌جویانه» از آن یاد می‌شود و در مواردی مانند غزوه احد و خندق، دفاع در برابر حمله در حال وقوع محقق شده که امروزه به آن «دفاع مشروع» می‌گویند. به هر روی نقطه مشترک این جنگ‌ها در مقایسه با نمونه‌هایی که قبلاً آوردیم، وقوع تجاوز است. در تمامی نمونه‌های قبلی حمله دشمن در قالب «بالقوه القریبه من الفعل» قرار گرفته است. به دیگر سخن مقتضی موجود است و با فقدان مانع، به یقین اثر خود را خواهد گذاشت. بنابراین دفاع پیش‌دستانه قربانی، در حکم مانعی است که اثر مقتضی را متوقف می‌نماید. بنابراین نمونه‌های دسته اول، همگی با مفهوم دفاع پیش‌دستانه در جهان امروز مطابقت می‌کنند.[1]

تذکر این مطلب ضروری است که فوریت و قریب‌الوقوع بودن در عصر مورد نظر تعریف خاص خود را دارد. در اعصار گذشته با در نظر گرفتن امکانات آن زمان، برای تحقق مفهوم حمله پیش‌دستانه علاوه بر عنصر زمان، عنصر مکان نیز کاملاً مؤثر بوده است. پیش‌دستی یک دولت در حمله به دشمنی که فرسنگ‌ها با آنان فاصله دارد اقتضا می‌کند که اولاً بر اساس ضرورت اتخاذ اقدامات احتیاطی، با وصول اولین اخبار مبنی بر آمادگی دشمن برای حمله این اقدامات صورت پذیرد. ثانیاً به عنوان یک تاکتیک نظامی و برای داشتن دست برتر، رویارویی حتی المقدور در سرزمین دشمن صورت گیرد و یا حداقل در خارج از مرزهای سرزمینی خودی باشد. بنابراین ممکن است مفهوم قریب الوقوع در عصر حاضر در مقایسه با اعصار گذشته متفاوت باشد و در جهت استحصال مفهوم تهدید قریب الوقوع و فوری، ضرورتاً باید موارد فوق را در نظر گرفت.

---

۱. برخی از نویسندگان عرب درباره جنگ‌های پیامبر (ص) با عنوان «الحرب الوقائیه» یاد کرده‌اند (هیکل، ۱/ ٦٢٨؛ قرضاوی، ۱/ ۲۵۹). معنای دقیق این واژه جنگ پیشگیرانه است، اما به اعتقاد ما عنوان صحیح عبارتست از «الحرب الاستباقیه» که معنای دقیق آن جنگ پیش‌دستانه است (ر.ک: انصاری، ۱۷).

نکته دوم: اصولیان معتقدند در تفسیر «سیره عملی» باید به استنتاج متیقّن بسنده نمود؛ زیرا این دلیل از جنس رفتار است که صامت بوده فاقد هرگونه اطـلاق و عمـوم می‌باشـد (عراقـی، ۳/ ۱۵۸؛ مظفـر، ۵۱۷). بنابراین اگر روش بحث در این مسئله را اینگونه تنظیم کنیم که آیا سیره پیامبر (ص) تنها بر جواز پیش‌دستی در حملات قریب‌الوقوع (دفاع پیش‌دستانه) دلالت دارد یا بر اعم از آن و نیز تهدیـدهای بعیـدالوقوع (دفـاع پیش‌نگرانه)؟ پاسخ به این پرسش بر اساس آن قاعده اصولی روشن است و نمی‌توان با استناد به اطلاقی که اساساً سالبه به انتفای موضوع است، احتمال دوم را اثبات کرد.

نتیجه این دو نکته آن است که در توجیه نمونه‌هایی که از جنگ‌های پیامبر (ص) نقل کردیم، چند احتمـال وجود دارد: احتمال نخست آنکه این جنگ‌ها نوعی جهاد ابتدایی بوده است. این احتمـال مسـلماً صـحیح نیست؛ زیرا فارغ از عناوین مورد بحث، به گواهی تاریخ، تمامی آنها مسبوق به نوعی از تحرکات نظـامی و اقدامات خصمانه هستند. بنابراین نمی‌توان این جنگ‌ها را در قالب جهاد ابتدایی برای دعوت به اسلام قرار داد. احتمال دوم اینکه جنگ‌های مورد نظر همگی پاسخ به تجاوز بالفعـل و آشـکار دشـمن بوده‌انـد. ایـن احتمال نیز پذیرفته نیست؛ زیرا در هیچ یک از آنها تجاوز بالفعل به حاکمیت اسلام یا سرزمین‌ها و یا اتباع آن صورت نپذیرفته است. احتمال سوم آن است که این جنگ‌ها را از باب پیشگیری قبـل از تهـاجم دشـمن تفسیر کنیم. این احتمال نیز بر اساس آنچه تا کنون گفتیم بسیار بعید است. احتمال چهارم آن است که همه آنها را در قالب جنگ پیش‌دستانه تفسیر نماییم؛ از آن رو که در تمامی آنها حمله دشمن در شرف وقوع بوده است. بر اساس ظهور ادله مورد اشاره و نیز نفـی سـایر احتمـالات، بـه اعتقـاد مـا همـین احتمـال متعـیّن می‌باشد.

در نهایت به اعتقاد ما از سیره پیامبر اکرم (ص) در جنگ‌ها به دو نتیجه نائل خواهیم شد: اولاً بر اساس سنت پیامبر (ص) پیش‌دستی در جنگ علیه دشمن جایز است. ثانیاً قدر متـیقن از روش فرمانـدهی پیـامبر (ص) در جنگ‌ها، پیش‌دستی در مواردی است که دلیلی مبنی بر شروع به اقـدام مسـلحانه توسـط دشـمن وجود داشته باشد. وگرنه جواز اقدام پیشگیرانه به صرف احتمال اقدام مسـلحانه دشـمن در آینـده، از سـیره پیامبر (ص) قابل استنتاج نیست. پس با اندکی تسامح می‌توان گفت هرگاه مقتضی موجود باشد، حملـه بـه دشمنِ در شرف تجاوز نقش مانع را بر عهده گرفته و اثر مقتضی را خنثـی می‌کنـد کـه در اینصـورت دفـاع پیش‌دستانه محقق شده است. امـا در صـورتی کـه مقتضـی موجـود نباشـد و شـرایط دشـمن بـرای حملـه متجاوزانه کامل نباشد، تسریع در حمله نوعی اقدام پیشگیرانه است. در نهایت با توجه به لزوم اخذ به قـدر متیقن در سیره، آنچه از سیره پیامبر (ص) قابل استنباط است، تنها نوع اول است نه دوم.

شرایط مستفاد از سیره برای تجویز حملات پیش‌دستانه

چنانکه پیش‌تر گفتیم پیش‌فرض این پژوهش حکومت اصالت صلح بر نظام روابط بین‌الملل اسلامی است. بر این اساس اقدامات مسلحانه محدود خواهد شد که در گفتار قبل بدان پرداختیم. دقت در سیره پیامبر (ص) ما را بر آن می‌دارد که برای مبادرت به این نوع از اقدام مسلحانه، شرایطی را قرار دهیم.

۱. ظهور رفتار دشمن در مبادرت به اقدام مسلحانه قریب‌الوقوع

اولین شرط عبارتست از اینکه رفتار دشمن ظهور در تصمیم قاطع نسبت به حمله مسلحانه داشته باشد. در سیره پیامبر (ص) مهم‌ترین مصداق برای این معیار کلی، جمع‌آوری و تجهیز لشکر به قصد حمله بوده است. مسلماً این اقدامات نباید به حد محاصره رسیده باشد؛ زیرا دراینصورت تجاوز محقق شده و مفهوم اقدام پیش‌دستانه معنا نخواهد داشت.[1] در عصر حاضر قطعاً مصادیق حمله قریب‌الوقوع دستخوش دگرگونی است و از همین رو ماده ٤ قطعنامه ۳۳۱٤ در این جهت می‌گوید: «اقدامات ذکر شده در فوق جامع انواع اعمال تجاوز آمیز نبوده و شورای امنیت ممکن است بر اساس مواد منشور اقدامات دیگری نیز که تجاوزکارانه بشمار می‌آید تضمین نماید». وقتی اعمال تجاوزآمیز قابل احصاء نیست، مسلماً تجاوز قریب‌الوقوع نیز قابل احصاء نخواهد بود.

۲. اثبات حمله قریب‌الوقوع دشمن با دلیل معتبر

شرط دوم برای اقدام پیش‌دستانه آن است که حمله قریب‌الوقوع دشمن با دلیل موجه اثبات شده باشد. در این جهت خواننده محترم را به مروری دوباره بر نمونه‌های ذکر شده فرا می‌خوانیم. همه این نمونه‌ها ظهور در اثبات رفتار دشمن با دلیل موجه دارند. مؤیّد این سخن ما شأن نزول آیه ششم سوره حجرات است. مفسران درباره شأن نزول آیه «إن جاءکم فاسقٌ بنبإٍ ...» می‌نویسند: پیامبر (ص) ولید بن عقبه را به سوی قبیله بنی المصطلق گسیل داشت تا زکات و صدقات آنها را جمع‌آوری کند. آنان وقتی خبردار شدند هنگام ورود او به استقبالش شتافتند اما ولید گمان کرد آنان مرتدّ شده و حال به سویش می‌آیند تا وی را بکشند. این گمان از آن رو بود که میان ایشان در زمان جاهلیت دشمنی وجود داشت. او بازگشت و اینگونه به پیامبر (ص) گزارش داد. پیامبر (ص) تصمیم گرفت به سوی آنان لشکر گسیل دارد. اما این آیه نازل شد و پیامبر (ص) از حقیقت آگاه گشت (کوفی، ٤۲۷؛ طبرسی، ۹/ ۱۹۸؛ فخر رازی، ۲۸/ ۹۸).

---

۱. حتی بر اساس قوانین سختگیرانه بین‌المللی معاصر، بر اساس ماده ۳ قطعنامه ۳۳۱٤ شورای امنیت، محاصره و اعزام نیروهای مسلح، از مصادیق تجاوز بالفعل محسوب می‌شوند (نک: ضیایی بیگدلی، حقوق جنگ، ۳۱). از این ماده می‌توان برداشت کرد در صورتی که دشمن یک مرحله قبل از اعزام نیرو و محاصره قرار داشته باشد، مبادرت به اقدام نظامی علیه او نوعی اقدام پیش‌دستانه محسوب می‌شود. بر این اساس آنچه پیرامون سیره پیامبر (ص) گفتیم، قطعاً اقدام پیش‌دستانه محسوب می‌شود؛ زیرا در همه این موارد رفتار دشمن درست یک مرحله قبل از اعزام نیرو و محاصره قرار گرفته است.

رفتار قبیله بنی‌المصطلق از دو حال خارج نیست: اگر آن را مقدمه برای تجاوز بدانیم، از این شأن نزول استفاده می‌شود که برای تجویز حمله پیش‌دستانه، این مقدمه باید از طریق معتبر اثبات شود و در این جهت خبر فاسق حجت نیست. و اگر رفتار ایشان را نوعی تجاوز بالفعل محسوب کنیم، باز هم از آنجا که خود تجاوز باید با دلیل معتبر اثبات شود، پس می‌توان گفت به طریق اولی مقدمه تجاوز نیز باید با دلیل معتبر اثبات گردد؛ زیرا عقل حکم می‌کند حمله پیش‌دستانه مستند به مقدمه تجاوز، نیازمند تأمل بیشتری نسبت به حمله برای دفاع در مقابل تجاوز است.

دلیل چهارم: قیاس اولویت قطعی تجاوز به امنیت ملی نسبت به جرائم علیه اشخاص و اموال

فقیهان معتقدند هرگاه شخصی قصد جان یا مال و یا ناموس دیگری را کرده باشد، دفع حمله قریب‌الوقوع او قبل از اقدام بالفعل جایز و بلکه احیاناً واجب است. این فتوا مستند به عقل و نقل است. بطور مثال از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: «هرگاه دزد بر تو وارد شد در حالیکه قصد خانواده و مال تو را داشت، اگر توانستی بر او سبقت بگیری و او را بزنی، سبقت بگیر و او را بزن ...» (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۰/ ۱۳٦).

در نگاه فقیهان، دفاع در وهله نخست قبل از اقدام طرف مقابل قرار می‌گیرد؛ چنانکه اصل مفهوم دفع در برابر رفع، همین معنا را القا می‌کند (خمینی، ۱/ ۲۰۵؛ روحانی قمی، ١٤/ ۱۸۰). بطور مثال هرگاه کسی قصد زنا به عنف یا قتل دیگری را داشته باشد، مسلماً دفاع به معنای عکس‌العمل پس از شروع جرم نیست (ر.ک: خوئی، ٥٦). شرط ضروری برای پیش‌دستی در دفاع، احراز قصد مهاجم و توانایی او در ایراد ضرب یا سرقت مال است. در این راستا برخی از آنان احراز قصد را از طریق علم ضروری دانسته‌اند، عده کثیری از راه ظنّ و معدودی از ایشان نیز استناد به احتمال را کافی شمرده‌اند. بطور مثال محقق حلی می‌گوید: «و لا یبدؤه ما لم یتحقق قصده الیه» (محقق حلی، ٤/ ۱۷٦)، یعنی تا وقتی قصد مهاجم برای شخص محرز و محقق نشده، نمی‌تواند شروع به دفاع کند. مفهوم این کلام آن است که پس از احراز قصد مهاجم، می‌تواند به قصد دفاع به وی حمله کند. شهید اول نیز در تعبیری مشابه با محقق می‌نویسد: «وَ لَا یبْدَأُ إِلَّا مَعَ الْعِلْمِ بِقَصْدِهِ» (شهید اول، ۲٦٥) و محقق اردبیلی هم بر همین عقیده است (اردبیلی، ۱۳/ ۳۰۲).

صاحب جواهر در توضیح کلام محقق اضافه می‌کند: «و لو بالطریق الظنی الذی یتحقق به مثله عرفا و إن ضمنه بعد ذلک لو بان خطاؤه» (صاحب‌جواهر، ٤١/ ٦٥٦) و شهید ثانی در شرح، عبارت «أو الظنّ» (شهید ثانی، ۹/ ۳۵۰) را بدان می‌افزاید؛ بدین معنا که علم لازم نیست بلکه ظن معتبر نیز جایگزین علم می‌شود.

برخی از فقیهان معاصر نیز به کفایت احتمال رأی داده‌اند (تبریزی، ٤٦١).

بطور خلاصه دیدگاه میانه، همسو با میانه‌روی است. بر این اساس می‌توان یک قیاس اولویت را ترتیب داد: وقتی پیش‌دستی در دفاع از نفس، آبرو و مال جایز، بلکه احیاناً واجب است، به طریق اولی پیش‌دستی در دفاع از تمامیت سرزمینی و امنیت جانی نفوس متعدد، جایز و بلکه واجب خواهد بود.

باید اضافه کنیم آنچه در اینجا گفتیم تأییدی است بر سخن قبلی مبنی بر لزوم احراز حمله قریب‌الوقوع با دلیل معتبر.[1]

دلیل پنجم: مصالح مرسله قطعی

دانشمندان علم اصول در توضیح مصالح مرسله گفته‌اند: مصالح نسبت به شهادت شرع، سه دسته هستند: دسته‌ای از مصالح توسط شارع تأیید شده، دسته دیگر به صراحت ردّ شده و دسته سوم نه تأیید و نه رد شده‌اند. درباره دو دسته اول اختلافی وجود ندارد اما محل بحث درباره دسته سوم است (غزالی، ۱/ ۱۷۳). دلیل این اختلاف نیز آن است که مصلحت مرسله نه بطور مستقیم تأیید شده و نه می‌توان برای آن اصلی مشابه یافت و در قالب قیاس بدان ملحق نمود (شاطبی، ۲/ ۱۱۱). در نگاه مخالفان، استنباط اینگونه مستلزم وارد نمودن چیزی به حوزه دین است، بدون حجت معتبر و این همان «بدعت حرام» است.

از میان اهل سنت، مخالفان استصلاح با تقسیم مصالح به ضروریات، حاجیات و تحسینیات و تقسیم هریک از این سه مورد به مصالح منتهی به حفظ نفس، حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال، معتقدند هرگاه مصلحت از نوع نخست یعنی ضروریات در تمام اقسام پنج‌گانه باشد چاره‌ای جز لحاظ آن نخواهیم داشت گرچه مستند به هیچ اصلی نباشد (ر.ک: غزالی، ۱/ ۱۷٤).

اصولیان متأخر امامیه نیز دیدگاهی مشابه با مخالفان استصلاح را پیشنهاد می‌کنند. آنان معتقدند هرگاه مصلحت مورد نظر، از نوع قطعی باشد و تردیدی در لزوم جلب آن وجود نداشته باشد به تبع در ذیل قطع قرار خواهد گرفت که همانا حجیت آن ذاتی است نه عاریتی. بنابراین مصلحت مرسله قطعی نه به عنوان دلیلی مستقل، بلکه زیر لوای قطع حجت و لازم الاتّباع است (ر.ک: حکیم، ۳۸۹؛ مکارم شیرازی، ۲/ ٤۹۱).

برخی از فقیهان معاصر مسائلی همچون تکثیر سپاه و دیگر فنون نظامی را در ذیل همین مفهوم قرار داده اذعان کرده‌اند این نوع از مصالح در واقع در جهت تطبیق احکام کلی با مقتضای حیات بشری هستند؛ احکامی چون «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّـهِ وَ عَـدُوَّكَمْ» (انفال: ٦٠) و «الإسلامُ يعلُو و لايعلَى علَيه» (حرعاملی، ۲٦/ ١٤). در نگاه این فقیهان حکم بر اساس مصالح

---

۱. ابن قیم در جریان غزوه حنین می‌نویسد: هرگاه پیشوای مسلمانان باخبر شود که دشمن قصد آنان را کرده و سپاه اسلام نیز قوی و بازدارنده باشد، وی نباید صبر کرده و منتظر آنان باشد بلکه باید به سوی آنان برود؛ چنانکه رسول خدا (ص) به سوی قبیله هوازن شتافت تا آنکه در حنین با آنان روبرو شد (ابن قیم جوزیه، ۳/ ٤۷۹).

مرسله نه از سنخ احکام اولیه است و نه ثانویه؛ بلکه اختیاری است که فقیه در مقام اجرای قوانین و اهداف کلی شریعت داراست (سبحانی، ۲۰۱).

گرچه درباره دفاع پیش‌دستانه سیره قولی و فعلی وجود دارد و به نظر ما از مصالح رها شده نیست؛ اما اگر کسی استدلال به سیره را نپذیرد، در مصالح مرسله قطعی نمی‌توان تردید کرد. بنابراین مصلحت مرسله قطعی، یک دلیل علی‌البدل و تکمیلی محسوب می‌شود. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که لزوم دفاع پیش‌دستانه باید به عنوان یک مصلحت قطعی و اجتناب‌ناپذیر اثبات گردد. این مستلزم همان دو شرطی است که درباره شرایط مستفاد از سیره گفتیم؛ یعنی قطعی بودن مصلحت نیازمند ظهور رفتار دشمن در حمله قریب‌الوقوع و نیز اثبات آن با دلیل معتبر است. تنها در اینصورت صغرای دلیل مصلحت مرسله منقح خواهد شد.

قرارداشتن جنگ پیش‌دستانه در منطقه الفراغ

نظریه منطقه الفراغ از ابداعات شهید صدر در ارائه مکتب اقتصادی اسلام است. این نظریه معتقد است مکتب اقتصادی اسلام شامل دو جنبه است: یک جنبه آن احکام منجز است که تغییر و تبدیل نمی‌پذیرند و جنبه دوم که جایگاه منطقه الفراغ می‌باشد، عبارتست از منطقه‌ای که اسلام قانون‌گذاری در آن را به دولت یا ولی امر سپرده تا بر اساس اهداف عام اقتصاد اسلامی و مقتضیات هر زمان، به تنظیم قوانین بپردازد... مقصود از این مفهوم، نسبت به عالم واقع نیست بلکه نسبت به شریعت و نصوص تشریعی آن در نظر گرفته می‌شود... پیامبر (ص) نیز این منطقه فراغ را بر اساس مقتضای زمان خویش و به عنوان حاکم اسلامی اداره کرده است (صدر، ۳۸۰). پس این احکام دائمی نیستند؛ زیرا از سوی پیامبر (ص) به عنوان مبلغ احکام عام و ثابت صادر نشده بلکه به عنوان ولی امر و حاکم نظام اسلامی تشریع شده‌اند. در نتیجه جزء ثابتی از مکتب اقتصادی اسلام محسوب نمی‌شوند (صدر، ۳۸۱). بنابراین منطقه الفراغ عبارتست از مجموعه امور و قضایایی که شریعت اسلامی حق تشریع و قانون‌گذاری در آن را به ولی امر یا دستگاه قانون‌گذاری تحت امر وی یا مورد تأیید او سپرده است تا بدینوسیله حکم متناسب برای شرایط متغیر را صادر نماید و این قانون‌گذاری به گونه‌ای باید باشد که اهداف کلی شریعت اسلامی را تضمین نماید. مستند این مفهوم نیز آیه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) انگار می‌شود (صدر، ۶۸۹).

در مکتب نظامی اسلام نیز از آن رو که جنگ پیش‌دستانه از سنخ روش‌های جنگی است، مسلماً اختیار آن به حاکم اسلامی واگذار شده تا بر اساس مصلحت موجود، پیرامون آن تصمیم مناسب اتخاذ

کند. هدفی که ورای این راهکار قرار گرفته و حاکم اسلامی موظف است از این طریق یا با استفاده از روشی دیگر آن هدف را تأمین کند، عبارتست از «دفاع از کیان اسلام و مسلمانان». بنابراین هرگاه فرض شود که بطور مثال با اعلان شکایت به شورای امنیت سازمان ملل متحد[1] به طور قطع می‌توان به این هدف نائل گردید، حاکم اسلامی این اختیار را دارد که از این امکان بهره گیرد؛ خصوصاً که تلفات مالی و جانی آن نیز قابل مقایسه نیست و از منظر اسلام، جنگ راهکار پایانی حل مخاصمات محسوب می‌شود. در سنت پیشوایان معصوم اسلام نیز مشاهده شده که در موارد معدود، از شروع به جنگ نهی کرده‌اند. بطور مثال در جریان جنگ بدر گزارش‌های تاریخی حاکی از این کلام رسول خدا (ص) هستند که فرمود: «... غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ لَا تَبْدُوهُمْ بِالْقِتَال» (قمی، ۱/ ۲۶۲؛ فیض کاشانی، ۲/ ۲۷۸). همچنین خطاب به دشمن فرمود: «ای گروه قریش! من از هیچ کس به اندازه شخصی که با شما شروع به جنگ کند بیزار نیستم. پس مرا با عرب واگذارید ...» (قمی، ۱/ ۲۶۳).

مشابه این گزارش در سیره امام علی (ع) نیز یافت می‌شود. وی در پاسخ به اعتراض یکی از خوارج و قبل از جریان جنگ نهروان به او فرمود: «ما جنگ با شما را شروع نمی‌کنیم مگر آنکه شما آن را آغاز کنید» (نوری، ۱۱/ ۶۵) و در جریان این جنگ نیز لشکریان خویش را از شروع به جنگ باز داشت (مجلسی، ۳۳/ ۳۴۸). همچنین در فتنه جمل به یاران خویش فرمود: «ای مردم! در برابر آنان صف‌آرایی کنید و شما جنگ با آنان را شروع نکنید، تیری رها نکنید، ضربه شمشیری نزنید و نیزه‌ای بر آنان فرود نیاورید تا آنکه ایشان شروع کنند ...» (حسینی مدنی، ۱۲۹). امام علی (ع) در تبیین علت این دستور خود فرمود: «... زیرا شما حجت و برهان دارید و اینکه آنان را ترک کنید تا جنگ را آغاز کنند خود، حجت دیگری است برای شما علیه ایشان» (نهج البلاغة، ۳۱۸)[2] همین دلیل عیناً در فتوای فقیهان مبنی بر پرهیز از شروع به جنگ نیز مشاهده می‌شود (حلبی، علی بن حسن، ۱۴۲؛ ابن زهره، ۲۰۰؛ کیدری، ۱۸۸).

پس فرمانده کل قوا این اختیار را دارد که حمله پیش‌دستانه را بر اساس مصلحت موجود رهبری نماید. ما این دو سنت متفاوت را بر اساس مقتضای مصلحت تفسیر می‌کنیم، بدین معنا که بطور مثال اگر حاکمیت برای حفظ خود و سرزمین خویش چاره‌ای جز دفاع پیش‌دستانه نداشته باشد، بدان مبادرت خواهد کرد و در غیر اینصورت می‌تواند منتظر کنش دشمن بماند تا حجتی باشد بر تجاوز دشمن. به هر روی این مسئله در حوزه منطقه فراغ بوده در اختیار حاکم اسلامی است.

تذکر این نکته ضروری می‌نماید که بعید است دستیابی به این هدف عام در حملات فوری و

---

۱. بر اساس ظرفیت‌های موجود در فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد.

۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک: حسینی شیرازی، ٤/ ٤٦٣.

قریب‌الوقوع یا در شرف وقوع از طریقی غیر از دفاع پیش‌دستانه امکان‌پذیر باشد، و از همین روست که برخی از حقوقدانان پرآوازه همچون والداک،[۱] استون،[۲] باوت،[۳] شوبل،[٤] مک دوگال[۵] و ... از آن جانبداری می‌کنند (ر.ک: کاسسه، ۲٦۸)؛ اما در این جهت درباره دفاع پیشگیرانه تردیدی وجود ندارد؛ چه اینکه اساساً دفاع پیشگیرانه به مفهوم امروزی در سیره پیامبر (ص) یافت نمی‌شود.

دفاع پیش‌دستانه از منظر حقوق اسلامی در بستر حقوق بین‌الملل معاصر

مفهوم دفاع پیش‌دستانه ریشه در حقوق بین‌الملل عرفی دارد، اما به دلیل فقدان موضوعیت آن و همچنین با توجه به استقرار حقوق بین‌الملل مدرن، با تصویب منشور ملل متحد، و همچنین تأکید مؤکد این سند بین‌المللی بر ممنوعیت کامل و جامع کاربرد زور یکجانبه در روابط بین‌الملل، هیچ‌گاه به صورت جدی به آن پرداخته نشده بود (ظریف و آهنی، ٤۳). در حقوق بین‌الملل معاهدات معاصر بر اساس ماده ۲ منشور ملل متحد، هرگونه توسل به زور یا تهدید به استفاده از آن ممنوع اعلام شده است. اما این قاعده کلی دو استثنا را پذیرفته است: یکی اقدامات قهرآمیز شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور، که در جهت تأمین صلح جهانی توسل به زور را به عنوان راهکار نهایی در اختیار شورا قرار می‌دهد (دفاع مشروع جمعی، مفاد ماده ۳۹ الی ٤۲)؛ و دوم دفاع مشروع (دفاع مشروع فردی، مفاد ماده ۵۱).

مخالفان دفاع پیش‌دستانه معتقدند ماده ۵۱ منشور از آنجا که استثنا بر قاعده کلی صلح محسوب می‌شود باید تفسیر مضیق شود؛ و در پی آن به ماده ۳۳ منشور[٦] استناد می‌کنند (شریفی طرازکوهی، ۱۷ - ۲۰). همچنین بر اساس ماده ۲ قطعنامه تعریف تجاوز (۳۳۱٤) «پیشی جستن یک کشور در کاربرد نیروی مسلح مغایر با منشور، نشانه اولیه اقدامی تجاوزکارانه به شمار خواهد آمد ...» (ضیایی بیگدلی، حقوق جنگ، ۳۱). این تجاوز احتمالی ممکن است به صورت تهدید به تجاوز، اعلان جنگ، بسیج همگانی نیروها، تجمع نیروهای مسلح در مرز باشد. در این حالت کشوری که احتمال می‌دهد مورد تجاوز قرار خواهد گرفت، تنها می‌تواند شرح واقعه را به شورای امنیت گزارش کند و شکایت لازم را مطرح سازد، لیکن

۱.Waldock

۲.Stone

۳.Bowett

٤.Schewebel

۵.McDougal

٦. ماده ۳۳ – ۱. طرفین هر اختلاف که ادامه آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات با ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود راه حل آن را جستجو نمایند. ۲- شورای امنیت در صورت اقتضا از طرفین اختلاف خواهد خواست که اختلاف خود را با شیوه‌های مزبور حل و فصل نمایند.

تا زمانی که حمله مسلحانه‌ای واقع نشده و تجاوزی صورت نگرفته به هیچ وجه حق مبادرت به عملیات جنگی به عنوان دفاع مشروع را ندارد (همو، ۳٤).

به نظر می‌رسد مبنای اصلی ادله مخالفان، واقع‌گرایی و تأثیرپذیری از رفتارهای تجاوزکارانه و سوء استفاده کشورهایی چون امریکا و اسرائیل در توجیه حقوقی این تجاوزهاست. مبنای استدلال موافقان نیز آن است که در عصر موشک‌ها و سلاح‌های اتمی و روش‌های فوق‌العاده پیچیده کشف و شناسایی، بیهوده و خود نابود کردن است اگر از این فرضیه دفاع شود که کشوری در حالی که کاملاً از جنبه ویران کننده وسایل تخریبی بکار گرفته شده آگاه است، باید صبر کند تا حمله صورت گیرد (موسوی و حاتمی، ۳۰۷).

پرداختن به ادله موافقان و مخالفان دفاع پیش‌دستانه در حوزه حقوق بین‌الملل، نه در گنجایش این نوشتار و نه هدف آن است. اما آنچه باید در این پژوهش بدان پاسخ دهیم این است که ارتباط ادله‌ای که ما بر جواز حمله پیش‌دستانه ارائه کردیم با معاهدات بین‌المللی معاصر همچون منشور ملل متحد و یا قطعنامه ۳۳۱٤ و ... چیست؟ این ارتباط در قالب تأکید و تأیید تعریف شده یا بر محور تعارض قرار گرفته تا احتمال تخصیص، تقیید، حکومت، ورود و ... طرح گردد؟ ایران و دیگر کشورهای مسلمان به این معاهدات پیوسته‌اند؛ پس این پرسش مطرح خواهد شد که برآیند نهایی کدام است: جواز یا منع دفاع پیش‌دستانه؟ در این بخش از نوشتار پاسخ این پرسش اساسی را پی خواهیم گرفت.

به اعتقاد ما حق با موافقان است؛ زیرا فارغ از ادله طرفین، این استراتژی امنیتی در سنت عملی معصوم (ع) مورد عمل واقع شده است و در نتیجه این عرف حقوقی مورد تأیید شارع مقدس می‌باشد. اما آنچه باعث می‌شود اغلب حقوقدانان به دیدگاه مخالف گرایش داشته باشند، نتیجه عملی آن در جهان کنونی است. کشورهایی چون ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، اسرائیل و عراق از این مفهوم سوء استفاده کرده‌اند. این مفهوم بیش از آنکه در جهت دفع تهدید و دفاع از امنیت ملی مورد استفاده واقع شود، دستاویزی برای تجاوز بوده است. بنابراین از آنجا که علی رغم ایجاد سازمان‌های بین‌المللی در جهت تأمین صلح، حقوق بین‌الملل در جهان کنونی فاقد ضمانت‌های اجرایی کافی است و حقوق در خدمت قدرت‌ها قرار می‌گیرد، انکار اساس مفهوم دفاع پیش‌دستانه بهترین راه برای دفع خطر سوء استفاده از آن به نظر می‌رسد. بنابراین اشکال اساسی در تفسیر موضوع است نه در حکم آن. عقل سلیم حکم می‌کند وقتی حمله در شرف وقوع است، نباید منتظر وقوع آن باشیم و از همین روست که چنانکه گفتیم فقیهان (فاضل لنکرانی، ۷٤) و حقوقدانان دفاع در برابر تهاجم در شرف وقوع شخص را جایز و بلکه لازم شمرده‌اند. بر اساس ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی نیز خطر شدید قریب‌الوقوع در کنار خطر شدید بالفعل از موانع مسئولیت کیفری به شمار رفته است.

در نهایت به اعتقاد ما دو وضعیت را می‌توان تفکیک کرد:

اگر پیرامون مشروعیت دفاع پیش‌دستانه اجماع جهانی یا عرف بین‌المللی حاصل نشود،[1] سیاست کلی نظام اسلامی دیدگاه موافقان دفاع پیش‌دستانه را می‌پذیرد. در اینصورت با اعتقاد به اینکه بر اساس اصل عدم، بار اثبات تجاوز یا حملات قریب‌الوقوع بر عهده مدعی آن است،[2] حکومت اسلامی می‌تواند از این ظرفیت بهره گیرد.

در وضعیت دوم اگر درباره تفسیر مضیّق دفاع مشروع موضوع ماده ۵۱ منشور ملل متحد، اجماع حاصل شود و یا عرف بین–المللی منعقد گردد، حکومت اسلامی در راستای وفا به عهد آن را می‌پذیرد؛ خصوصاً که واقع‌نگری حکم می‌کند انکار کلی دفاع بازدارنده و اجماع جهانی علیه آن می‌تواند مانعی بر سر راه سوء استفاده قدرت‌ها باشد. همچنین می‌توان گفت بر اساس تغییر فضای حاکم در نظام بین‌الملل و وجود نهادهای بین المللی مانند شورای امنیت، حاکم اسلامی که بر اساس مصلحت و مقتضای زمان، نظام‌های بین‌المللی را پذیرفته این اختیار را دارد که اقدامات پیش‌دستانه را ممنوع اعلام کند. چه اینکه در برخی موارد گزارش شده معصومان (ع) اصحاب خود را از شروع به جنگ نهی کرده و دفاع را منوط به شروع جنگ از سوی طرف مقابل نمودند. بطور مثال هرگاه حاکم تشخیص دهد تجاوز در حدی نیست که خسارات سنگینی در پی داشته باشد، می‌تواند فرمان جنگ را به تأخیر انداخته و در عوض مسئولیت تجاوز را متوجه طرف مقابل کند. اما در صورتی که حمله قریب‌الوقوع غیرقابل کنترل و دارای آثار مخرب جبران‌ناپذیر باشد، پذیرش این سخن بسیار دشوار می‌نماید؛ چه اینکه جان و مال مسلمان در برابر تجاوز،

---

۱. صرف نظر از استناد اسرائیل به این مفهوم از حق دفاع مشروع در سال ۱۹۶۷، که توسط شورای امنیت یا مجمع عمومی سازمان ملل متحد محکوم نگردید، ایالات متحده آمریکا همواره بر حق دفاع مشروع پیشگیرانه تاکید نموده و در این راستا این موضوع در قواعد مخاصمه، که در جریان جنگ عراق – ایران برای نیروهای دریایی این کشور در خلیج فارس صادر شده بود نیز منعکس گردید. بریتانیا، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی، نیز به دفاع پیشگیرانه به عنوان یک نوع حق استناد کرده‌اند (فلک، ۲۱). بطور مثال در مورد حمله اسرائیل به نیروگاه اتمی عراق در سال ۱۹۸۱، در شورای امنیت سازمان ملل متحد موضوع مذاکرات این نبود که آیا حق دفاع مشروع پیشگیرانه وجود دارد یا خیر، بلکه بحث این بود که اگر خطری اسرائیل را تهدید می‌کند، آن تهدید از نظر زمانی آنقدر نزدیک هست که بتواند حق مزبور را عملی سازد یا خیر؟ شورای امنیت اینگونه نتیجه‌گیری کرد که تهدید عراق برای اسرائیل در سال ۱۹۸۱ از نظر زمانی آنقدر دور است که نمی‌تواند معطوف به شرط قریب‌الوقوع بودن حمله مسلحانه باشد (همو، ۲۲). بنابراین نه در عرف بین‌المللی و نه رویه قضایی اجماع وجود ندارد.

۲. طبق ماده ۲ قطعنامه ۳۳۱۴ در تعریف تجاوز، «پیشی جستن یک کشور در کاربرد نیروی مسلح مغایر با منشور، نشانه اولیه اقدامی تجاوزکارانه به شمار خواهد آمد، گرچه شورای امنیت طبق منشور می‌تواند نتیجه بگیرد که احراز وقوع تجاوز با توجه به دیگر شرایط مربوط، از جمله کافی نبودن شدت اقدامات به عمل آمده یا نتایج آنها، قابل توجیه نمی‌باشد». از سویی دیگر دفاع مشروع مبتنی بر دو شرط اساسی است: احراز تجاوز و دیگری تناسب عملیات تدافعی با دامنه تهاجم. بنابراین کشوری که به عنوان دفاع مشروع در برابر تجاوز یا حمله قریب‌الوقوع، به کشوری دیگر حمله می‌کند، باید وقوع تجاوز یا حمله قریب‌الوقوع از سوی دشمن را اثبات نماید؛ زیرا اصل بر عدم تجاوز و نیز عدم حمله قریب‌الوقوع است. در غیراینصورت خود، متجاوز محسوب خواهد شد؛ چه اینکه اساساً اقدام به دفاع مشروع، بر اساس ماده ۵۱ منشور، تنها در صورت عدم امکان استفاده از ظرفیت فصل هفتم منشور درباره شورای امنیت مجاز شناخته شده است (ر.ک: ضیایی بیگدلی، حقوق جنگ، ۳۴ و ۳۸). درست مانند کسی که به تمامیت جسمانی دیگری آسیب وارد نموده و اکنون مدعی دفاع مشروع در برابر حمله قریب‌الوقوع موضوع ماده ۱۵۲ ق.م.ا باشد (ر.ک: همو، ۳۳).

مقتضی احتیاط تام در دفاع همه‌جانبه است. بطور مثال تصور کنیم پس از تهدیدهای پیاپی و اولتیماتوم در چند روز گذشته، اکنون مقدمات پرتاب موشک یا بمب‌های مخرب توسط دشمن در حال انجام است. در اینصورت واگذاشتن دفاع پیش‌دستانه و از دست دادن ابتکار عمل در حمله، ممکن است خسارات جبران‌ناپذیری را بر پیکر حکومت اسلامی وارد آورد.

نتیجه‌گیری

۱. استراتژی نظام اسلامی درباره دفاع بازدارنده، مشروعیت آن در قبال حملات قریب‌الوقوع و فوری دشمن است که از آن به عنوان دفاع مشروع پیش‌دستانه یاد می‌شود. اما در منابع اسلامی دلیلی بر تأیید دفاع پیشگیرانه در قبال تهدیدهای بعیدالوقوع یافت نشده است. اساس دفاع پیش‌دستانه در حملات قریب‌الوقوع مبتنی بر ضرورت قطعی و در نتیجه مستند به عقل قطعی است. همچنین در حقوق بین‌الملل عرفی کلاسیک به عنوان یکی از شیوه‌های دفاع اعمال می‌شده و عملکرد قطعی معصوم آن را تأیید کرده است. این ما را مجاب می‌کند تا در حقوق بین‌الملل تعهدات نیز مفهوم «حق ذاتی دفاع از خود» موضوع ماده ۵۱ منشور ملل متحد را شامل دفاع پیش‌دستانه بدانیم. به اعتقاد ما اگر موضوع، یعنی «حمله قریب‌الوقوع مهاجم» و «ماهیت دفاعی حمله مدافع» اثبات شود، در مشروعیت آن نباید تردید کرد. البته بار اثبات موضوع بر عهده مدافع است. اما آنچه اکثر حقوقدانان را به سمت انکار می‌برد، حملات تجاوزکارانه کشورهایی چون ایالات متحده و اسرائیل است که به بهانه دفاع بازدارنده صورت گرفته است.

۲. اگر جامعه جهانی از طریق اجماع بر سر تفسیر مضیق ماده ۵۱ منشور و یا در قالب عرف یکپارچه، دفاع پیش‌دستانه را نپذیرد، حکومت اسلامی به این اجماع می‌پیوندد.

۳. این امکان نیز وجود دارد که ولی فقیه بر اساس مشورت و سنجش مصلحت در موارد خاص از حق پیش‌دستی صرف نظر کند. بطور مثال در مواردی که خسارات احتمالی جبران‌ناپذیر پیش‌بینی نمی‌شود، مسئولیت تجاوز را متوجه کشور مهاجم کند. این از آن روست که «شیوه‌های دفاع» در حوزه منطقه الفراغ قرار گرفته و اختیار آن به دست ولی امر سپرده شده است.

۴. در مواردی که خسارت‌های وارد پس از حمله قریب‌الوقوع بسیار سنگین و یا جبران‌ناپذیر پیش‌بینی شود، بطور مثال حمله شیمیایی در شرف وقوع بوده و جان هزاران نفر در معرض خطر واقع گردد، نمی‌توان منتظر ماند و با ترک پیش‌دستی در دفاع، شاهد جنایات دشمن بود. تجربه تلخ ایران از شورای امنیت، در جریان جنگ عراق مؤید این سخن است؛ زیرا پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران در سال ۱۳۶۷، هیچ قطعنامه لازم‌الاجرای دیگری در جهت متجاوز شناخته شدن عراق و تعیین ضمانت اجرا

برای پرداخت غرامت ایران صادر نگردید. پس از گذشت سال‌ها هنـوز گـزارش دقیقـی مبنـی بـر پرداخـت غرامت ایران وجود ندارد. چه اینکه افغانستان و عراق نیز قربانی تجاوز به بهانه پیش‌دستی در دفاع بوده‌اند و پس از اثبات نشدن هرگونه اثری از سلاح‌های شیمیایی در عراق، این کشور هنوز پاسخ درستی در پیگیـری مطالبات خود دریافت نکرده است.

منابع

ابن زهره، حمزة بن علی، ***غنیة النزوع إلی علمی الأصول و الفروع***، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ١٤١٧ ق.

ابن هشام، عبدالملک بن هشام، ***السیرة النبویة***، بیروت: دار الجیل، ١٤١١ ق.

ابن‌جوزی، عبدالرحمن بن علی، ***المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک***، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق.

ابن‌سعد، محمد بن سعد، ***الطبقات الکبری***، بیروت: دارصادر، ١٩٦٨ م.

ابن‌عربی، محمد بن عبدالله، ***احکام القرآن***، بی‌جا، بی‌تا.

ابن‌قیم جوزیه، محمد بن ابی‌بکر، ***زاد المعاد فی هدی خیر العباد***، بیروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٥ ق.

ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، ***البدایة والنهایة***، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ١٤٠٨ ق.

اردبیلی، احمد بن محمد، ***مجمع الفائدة و البرهان***، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٣ ق.

افتخاریان، محمدحسین، ***دانشنامه جنگ و صلح***، همدان: انتشارات مسلم، ۱۳۸۰.

انصاری، ابوالحارث، ***ارشاد السؤول الی حروب الرسول (ص)***، دار الجبهه للنشر و التوزیع، ١٤٢٩ ق.

تبریزی، جواد، ***أسس الحدود و التعزیرات***، قم: دفتر آیت‌الله العظمی تبریزی، ١٤١٧ ق.

جوادی آملی، عبدالله، ***تفسیر تسنیم***، قم: بنیاد بین‌المللی اسراء، ۱۳۹۰.

حرّعاملی، محمد بن حسن، ***تفصیل وسائل الشیعه***، قم: موسسه آل‌البیت (ع)، ١٤٠٩ ق.

حسینی شیرازی، محمد، ***من فقه الزهراء (س)***، قم: نشر رشید، ١٤٢٨ ق.

حسینی مدنی، ضامن بن شدقم: ***وقعة الجمل***، قم: نشر محمد، ١٤٢٠ ق.

حکیم، محمدتقی، ***الأصول العامة فی الفقه المقارن***، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۱۸ ق.

حلبی، علی بن حسن، ***إشارة السبق إلی معرفة الحق***، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٤ ق.

خمینی، روح اللّه، ***المکاسب المحرمة***، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ١٤١٥ ق.

خوئی، ابو القاسم، ***تکملة المنهاج***، قم: نشر مدینة العلم، ١٤١٠ ق.

ذهبی، محمد بن احمد، ***تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر والأعلام***، بیروت: دار الکتاب العربی، ١٤١٣ ق.

روحانی، صادق، ***فقه الصادق (ع)***، قم: مدرسه امام صادق (ع)، ١٤١٢ ق.

سبحانی، جعفر، ***أصول الفقه المقارن فیما لا نصّ فیه***، قم: موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳.

شاطبی، ابراهیم بن موسی، ***الاعتصام***، مصر: المکتبه التجاریه الکبری، بی‌تا.

شریفی طرازکوهی، حسین و ویکتور بارین چهاربخش، «دفاع مشروع بازدارنده در قرن بیست و یکم»، ***فصلنامه پژوهش حقوق عمومی***، شماره ۴۰، ۱۳۹۲، ۹-۳۶.

شمس الائمه سرخسی، محمدبن احمد، ***شرح السیر الکبیر***، الشرکه الشرعیه للإعلانات، ۱۹۷۱ م.

شهید اول، محمد بن مکی، ***اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة***، بیروت: دار التراث، ١٤١٠ ق.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، ***الروضة البهیة***، قم: کتابفروشی داوری، ١٤١٠ ق.

صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، ***جواهر الکلام***، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ١٤٠٤ ق.

صدر، محمد باقر، ***اقتصادنا***، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ١٤١٧ ق.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ***حقوق بین‌الملل بشردوستانه***، تهران: گنج دانش، ١٣٩٦.

________________، ***حقوق جنگ***، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۵.

طباطبایی، محمدحسین، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

طبرانی، سلیمان بن احمد، ***المعجم الکبیر***، قاهره: مکتبه ابن تیمیه، ۱۴۱۵ ق.

طبرسی، فضل بن حسن، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

طبری، محمد بن جریر، ***تاریخ الأمم والرسل والملوک***، بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤٠٧ ق.

طوسی، محمد بن حسن، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

________________، ***تهذیب الأحکام***، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ١٤٠٧ ق.

ظریف، محمدجواد و محمد آهنی آمینه، «دفاع مشروع پیش‌دستانه»، ***فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد واحد شهرضا***، شماره دوازدهم، ۱۳۹۱، ٤١ - ٨٢.

عراقی، ضیاءالدین، ***منهاج الأصول***، بیروت: دار البلاغة، ۱۴۱۱ ق.

غزالی، محمد بن محمد، ***المستصفی***، دارالکتب العلمیه، ١٤١٣ ق.

فاضل لنکرانی، محمد، ***تفصیل الشریعة- القصاص***، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۴۲۱ ق.

فخر رازی، محمد بن عمر، ***مفاتیح الغیب***، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

فلك، دیتر، ***حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه***، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۷.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ***تفسیر الصافی***، تهران: کتابخانه صدر، ١٤١٥ ق.

قرضاوی، یوسف، ***فقه الجهاد***، قاهره: مکتبه وهبه، ۲۰۰۹ م.

قمی، علی بن ابراهیم، ***تفسیر القمی***، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٤ ق.

کاسسه، آنتونیو، ***حقوق بین‌الملل در جهان نامتحد***، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.

کلینی، محمد بن یعقوب، ***الکافی***، قم: دار الحدیث، ١٤٢٩ ق.

کوفی، فرات بن ابراهیم، ***تفسیر فرات الکوفی***، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.

کیدری، محمد بن حسین، ***إصباح الشیعة بمصباح الشریعة***، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ١٤١٦ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقي، ***بحار الأنوار***، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ١٤٠٣ ق.

محقق حلی، جعفر بن حسن، ***شرائع الإسلام***، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.

مظفر، محمدرضا، ***أصول الفقه***، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.

مکارم شیرازی، ناصر، ***أنوار الأصول***، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۸ ق.

موسوی، فضل‌الله و مهدی حاتمی، «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقـوق بین‌الملـل»، ***مجلـه دانشـکده حقـوق و علوم سیاسی***، شماره ۷۲، ۱۳۸۵، ۳۰۳ - ۳۲۴.

نادری، محمدتقی، ***دفاع مشروع موضوع ماده ۵۱ منشور ملل متحد***، رساله دکتری علوم سیاسی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: ۱۳۵۱.

نوری، حسین بن محمد تقی، ***مستدرک الوسائل***، قم: موسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۸ ق.

هیکل، محمدخیر، ***الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه***، دمشق: دار البیارق، بی‌تا.

واقدی، محمد بن عمر، ***المغازی***، بیروت: دار الأعلمی، ١٤٠٩ ق.